



# Mfj

مجله فقه پزشکی

دوره سیزدهم، شماره چهل و سوم، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/mf>



مقاله پژوهشی

## تحلیل انتقادی ماده ۵۴۷ ق.م.ا در تداخل دیه جائفه با جنایات دیگر<sup>۱</sup>

طه زرگریان<sup>\*۱</sup> 

۱. استادیار، گروه حقوق دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** جائفه، عنوان جراحی است که دیه آن یک سوم دیه کامل است. در این جنایت، فرد جانی با سلاح قمه از پشت گوش مجنی‌علیه می‌کشد و گوش وی را زخمی کرده به چشمان وی آسیب می‌زند و لب‌های او را پاره می‌کند؛ در نهایت، قمه را به سینه مجنی‌علیه هدایت کرده و آن را داخل قفسه سینه وارد می‌کند. بر فرض اینکه تمام جنایات مذکور به یکباره و با ضربه واحد، در چند ثانیه ایجاد شده است، قانونگذار، در ماده ۵۴۷ ق.م.ا دیه جنایت را چنین مقرر کرده است: «هرگاه جراحی عمیقی مانند... جائفه، یکباره واقع شود، تنها دیه همان جراحی عمیق پرداخت می‌شود...» تحقیق حاضر در جهت بررسی میزان مطابقت ماده مذکور با مبانی فقهی مرتبط، صورت گرفته است.

**مواد و روش‌ها:** پژوهش حاضر از نوع نظری است که بر اساس روش توصیفی تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای، پس از بررسی منابع فقهی و حقوقی مربوط به دیه جنایات و تداخل و عدم تداخل آنها، پیشنهاد اصلاح ماده ۵۴۷ ق.م.ا را ارائه نموده است.

**یافته‌ها:** هر چند در مسأله تداخل دیه جائفه با غیر جائفه در صورت ایجاد جنایات متعدد با ضربه واحد، قانونگذار قائل به تداخل دیات شده و جانی را محکوم به پرداخت دیه جراحی عمیق نموده اما بر اساس مبانی فقهی در تعدد و تداخل دیات و همچنین با استناد به مواد کتاب قانون مجازات، مادامی که مجنی‌علیه زنده است، برخلاف دیدگاه قانونگذار، نظریه تعدد دیات ترجیح دارد.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۹

### واژگان کلیدی:

دیه

جائفه

تداخل دیه

جنایت

ماده ۵۴۷ ق.م.ا.

\* نویسنده مسؤول: طه زرگریان

آدرس پستی: ایران، بروجرد، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره).

پست الکترونیک:

tahazargariyan93@abru.ac.ir

۱. این مقاله در همایش بین‌المللی «بحران کرونا و مسؤولیت‌های حقوقی و اخلاقی مربوط به سلامت همگانی» که توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در آبان‌ماه ۱۳۹۹ برگزار شده، ارائه گردیده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی می‌باشد.

**۱. مقدمه**

بعد از وقوع جنایت بر مجنی‌علیه و ثبوت دیه، معمولاً جانی تلاش می‌کند تا نوع و میزان دیه را به نفع خویش تخفیف دهد و تلاش مجنی‌علیه نیز مبتنی بر گرفتن دیه و خسارت بیشتر است. لکن بهترین مرجع برای داوری و تحقق عدالت میان آن دو، قانون است. حال اگر قانون موجود، فاقد ماده‌ای باشد که فصل‌الخطاب اختلافات ایشان شود یا ذیل ماده‌ای مبهم یا مجمل، حکم مسأله را مطرح نماید طبیعی است که نتیجه قضاوت در مسئله مورد نظر ممکن است به دور از عدالت مورد انتظار طرفین دعوا باشد. از جمله جراحاتی که دیه سنگین به میزان یک سوم دیه کامل دارد، جراحات جائفه در کتاب قانون مجازات اسلامی است. جائفه جراحی است که آلت جرح به فضای درون تهی بدن مانند قفسه سینه یا درون شکم برسد. آلت جارحه در بعضی از مواقع، مستقیماً از ناحیه بیرونی شکم، وارد فضای توخالی می‌شود و آسیبی به اعضای دیگر بدن نمی‌رساند؛ مانند اینکه چاقویی از روی پوست شکم وارد فضای خالی شکم شود. واضح است که در این فرض، دیه یک سوم جائفه محقق خواهد شد. لکن در برخی مواقع، آلت جارحه با جنایات دیگری به خالی بدن می‌رسد؛ مانند اینکه فرد جانی، تحت رفتار واحد، چاقویی را از پیشانی مجنی‌علیه بکشد و به چشمان وی آسیب بزند، بینی وی را زخمی کند، لبان وی را پاره کند و در نهایت چاقو را در فضای خالی قفسه سینه فرو کند و ایجاد جائفه نماید. همه این جنایات با ضربه واحد و در آن واحد ایجاد شده است؛ سرعت ایجاد جائفه در قفسه سینه به طوری است که جراحات جائفه، یکباره و بدون ضربات متعدد ایجاد شده است. حال سؤال این است که اگر به هر علت، فرد جانی محکوم به دیه شود آیا وی، بر اساس اصل تعدد دیات، محکوم به دیات متعدد جنایات خواهد شد؟ یا بنا بر حکم تداخل دیات، محکوم به دیه غلیظ‌تر، یعنی دیه جائفه خواهد شد؟ قانونگذار جزایی، طی ماده ۵۴۷ ق.م.ا در پاسخ به سؤال مذکور، مقرر کرده است «هرگاه جراحات عمیقی مانند ...

جائفه، یکباره واقع شود، تنها دیه همان جراحات عمیق پرداخت می‌شود و اگر به تدریج واقع شود یعنی ابتدا جراحات خفیف‌تر مانند موضعه و سپس جراحات شدیدتر مانند منقله ایجاد شود، چنانچه به سبب سرایت جراحات اول باشد تنها دیه جراحات شدیدتر پرداخت می‌شود و در صورتی که به سبب ضربه دیگری باشد، خواه دو ضربه از یک نفر خواه از چند نفر باشد، هریک از دو جراحات، دیه جداگانه دارد». آنچنان که از صدر ماده مذکور مشخص است، قانونگذار در پاسخ به سؤال پژوهش حاضر، حکم به تداخل دیات می‌کند. نگارنده بر این باور است که ماده ۵۴۷ ق.م.ا با مبانی فقهی جزایی اسلام در تعارض آشکار است و حقوق مجنی‌علیه را در جنایات متفاوتی به همراه جنایت جائفه نادیده می‌گیرد. اهمیت اول پژوهش حاضر به ممانعت از تضییع حقوق مجنی‌علیه باز می‌گردد؛ اقامه عدالت در دعاوی حقوقی و کیفری اولویت مهم حقوق اسلامی است. اهمیت دوم پژوهش حاضر به انعکاس صحیح مبانی جزایی فقه امامیه در قانون مجازات اسلامی باز می‌گردد. با جستجو در پژوهش‌های صورت‌گرفته، می‌توان مقالات ارزشمندی در حوزه جراحات جائفه و در حوزه تعدد و تداخل دیات مشاهده نمود. لکن هریک از آن تحقیقات، عموماً درباره نقد یک ماده یا توضیح یک ماهیت مشخص نگاشته شده است. پژوهش‌های صورت‌گرفته با بحث تحقیق حاضر، در هدف متفاوت است؛ زیرا هرچند موضوع حاضر، مرتبط با موضوع جراحات جائفه و بحث تعدد و تداخل دیات است، لکن مقاله حاضر، مشخصاً منحصر در نقد و پیشنهاد اصلاح ماده ۵۴۷ ق.م.ا است که جای آن در تحقیقات موجود خالی مانده است.

**۲. مواد و روش‌ها**

پژوهش حاضر از نوع نظری بر اساس روش توصیفی تحلیلی است که به جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای پرداخته و با بررسی منابع فقهی و حقوقی معتبر و مرتبط با دیات، در نهایت پیشنهاد اصلاح ماده ۵۴۷ ق.م.ا را ارائه نموده است.

**۳. یافته‌ها**

گستره معنای جنایت را در مفهومی فراتر از صدمه زدن به تمامیت جسمی انسان و حیوان به کار برده و بر خساراتی که حیوانات به اموال دیگران می‌زنند نیز جنایت گفته‌اند (۵)، لکن جنایت در معنای خاص فقهی آن، وارد کردن صدمه بدنی به فرد دیگر است؛ اعم از کشتن، ایراد جراحت و یا شکستگی و مانند اینها (۶). لازم به ذکر است، مقصود از واژه جنایت در پژوهش حاضر، معنای خاص فقهی آن است یعنی وارد کردن صدمه بدنی و همان‌طور که گفته شد منظور از صدمه بدنی اعم معانی ضرب و جرح است.

**۳-۴. جائفه**

واژه «الجائفة» از مشتقات کلمه «جوف» است و کلمه جوف متخذ از سه حرف اصلی جیم، واو و فاء به معنای توخالی است (۱). بر اساس تحقیقات انجام‌شده می‌توان گفت: واژه «جوف» قابل اطلاق بر هر چیزی است که تو خالی است (۱). فقهای اسلامی جائفه را در یک تعریف کلی، جراحی می‌دانند که آلت جارحه به باطن بدن یا به همان فضای خالی (جوف) بدن نفوذ کند. هرچند فقهای اسلامی در جزئیات خاص این جراحی مانند محل جراحی، آلات موجد جراحی و کیفیت تحقق جراحی اختلاف نظرهای عمیقی دارند. لکن در اینکه آلت جارحه لازم است به جوف بدن برسد متفق بوده و تحقق جراحی جائفه را منوط به آن می‌دانند (۷).

**۵. موضوع‌شناسی**

اصطلاح جراحی جائفه در پنج ماده قانونی کتاب مجازات اسلامی به کار رفته است. قانونگذار در ماده ۷۱۱ ق.م.ا اقدام به تعریف جراحی جائفه می‌کند و مقرر می‌دارد «جائفه جراحی است که با وارد کردن هر نوع وسیله و از هر جهت به درون بدن انسان اعم از شکم، سینه، پشت و پهلو ایجاد می‌شود و موجب یک سوم دیه کامل است...» همچنین قانونگذار در دیگر مواد قانونی مانند مواد ۴۰۱، ۵۴۷، ۵۷۴ و ۷۱۲ کتاب مجازات، به بیان احکام جراحی جائفه پرداخته است. از جمله

نگارنده بر اساس اصول مطرح‌شده در حوزه فقه دیات یعنی مباحث تعدد دیات و نفی شرایط تداخل دیات در بحث حاضر، بر این عقیده است که ماده ۵۴۷ ق.م.ا برخلاف مبانی فقه امامیه وضع شده است. برای اثبات این مدعا، علاوه بر مبانی فقهی، به موادی از قانون مجازات اسلامی استناد شده که در تعارض آشکار با ماده ۵۴۷ ق.م.ا هستند. بنابراین حکم راجح، محکوم شدن جانی به تعدد دیات به ازای هر جنایت می‌باشد.

**۴. مفهوم‌شناسی****۴-۱. جراحی**

واژه «جرح» در منابع لغوی با فتحه حرف جیم و با ضمه حرف جیم، قابل مشاهده است (۱). واژه جراحی در فقه اسلامی در دو معنای عام و خاص مورد استعمال قرار گرفته است. منظور از معنای عام واژه جراحی، همان معنای لغوی جراحی یعنی زخم است. و مقصود از معنای خاص جراحی، تقسیم‌بندی منحصر به فردی است که بسیاری از فقها درباره جراحی انجام داده‌اند. این تقسیم‌بندی از این قرار است که در فقه اسلامی جراحی پدید آمده در سر و صورت با عنوان «شجاج» شناخته شوند و جراحی پدید آمده در غیر سر و صورت با عنوان «جرح» تعبیر شوند (۲). در اصطلاح پزشکی، جرح به مواردی گفته می‌شود که بافت‌های بدن از هم گسیخته شده و اغلب با خونریزی توأمند مانند پوست‌رفتگی، خراشیدگی، پارگی و بریدگی سطحی و عمیق توأم با آسیب پریوست یا همراه با شکستگی یا آسیب مختصر و یا شدید احشائی یا صدمه مغزی (۳).

**۴-۲. جنایت**

با مطالعه منابع دینی روشن می‌شود واژه جنایت در دو معنای عام و خاص، مورد استعمال واقع شده است؛ معنای عام واژه جنایت، معادل واژه ذنب یا معصیت است که گستره‌ای از معانی گناه و انجام دادن هر کار حرام یا تعدی به مال یا جان افراد یا چیزهای دیگر را دربر می‌گیرد (۴). گروهی از قدما،

شدیدتر پرداخت می‌شود). قانونگذار در این بخش از ماده، حکم به تداخل دیات کرده است. این بخش از ماده مورد تأیید مبانی فقهی است زیرا در فرض مذکور، جراحات جائفه در طول جنایت قبل از خود پدید آمده است؛ این یعنی ماهیت سرایت جنایت محقق شده و بر اساس روایت ابو عبیده حذاء، می‌توان حکم به تداخل دیات کرد: «ابو عبیده حذاء از امام باقر (ع) روایت می‌کند از ایشان دربارهٔ مردی پرسیدم که با ستون خیمه بر سر مردی یک بار کوبیده تا آنکه ضربه به مغز او رسیده و عقلش از بین رفته است. حضرت فرمودند: اگر مضروب در اثر ضربه نه وقت نماز می‌فهمد و نه آنچه می‌گوید و نه آنچه درباره‌اش می‌گویند، در این صورت یک سال منتظر می‌مانند. اگر در این فاصلهٔ یک سال مُرد، ضارب در برابر مضروب قصاص می‌شود ولی اگر در این فاصله مُرد و عقلش هم به او باز نگشت، ضارب در مالش به دلیل از بین رفتن عقل او، ضامن دیه است. ابو عبیده می‌گوید: به امام گفتم: پس شما در این جراحات بر چیزی نظر ندارید؟ حضرت فرمود: نه؛ چرا که او تنها یک ضربت زده و این یک ضربه، دو جنایت وارد کرده است و من او را به سخت‌ترین جنایت ملزم می‌سازم که دیه است، ولی اگر دو ضربت به او زده بود و دو ضربت، دو جنایت وارد ساخته بود، من او را ملزم به دو جنایت می‌دانستم» (۸).

در قسمت سوم ماده ۵۴۷ ق.م.ا آمده است: «در صورتی که به سبب ضربه دیگری باشد، خواه دو ضربه از یک نفر خواه از چند نفر باشد، هریک از دو جراحات، دیه جداگانه دارد». قانونگذار در این بخش از ماده، حکم به تعدد دیات کرده است. این بخش از ماده، مورد تأیید مبانی فقهی است زیرا مبانی فقهی بیانگر آن است که هرگاه ضربات، متعدد بود و جنایات نیز متعدد بود، در صورت عدم ضربات متوالی، حکم به تعدد دیات خواهد شد (۹).

بر اساس مطالب فوق، معلوم می‌شود که موضوع پژوهش حاضر، واکاوی بخش «اول» ماده است که مقرر می‌دارد: «هرگاه جراحات عمیقی مانند ... جائفه یکباره واقع شود، تنها

مهم‌ترین احکام جراحات جائفه مربوط به ایجاد جائفه به همراه جنایات دیگر است؛ مسئله در این فرض، به بحث تعدد دیات و تداخل دیات جائفه به همراه جنایات دیگر برمی‌گردد. موضوع پژوهش حاضر به همین بُعد جراحات جائفه تعلق دارد. هر چند قانونگذار مجازات اسلامی در مواد مستقلی مانند ماده ۵۳۸ و ۵۳۹ ق.م.ا به طور عموم به بحث تعدد و تداخل دیات پرداخته است، لکن در مواد مستقلی از قانون مجازات به تقنین تعدد یا تداخل دیه جائفه به همراه جنایات دیگر اقدام کرده است. قانونگذار جزایی در کتاب قانون مجازات اسلامی، طی ماده ۵۴۷ مقرر داشته است: «هرگاه جراحات عمیقی مانند منقله و یا جائفه یکباره واقع شود، تنها دیه همان جراحات عمیق پرداخت می‌شود و اگر به تدریج واقع شود یعنی ابتدا جراحات خفیف‌تر مانند موضحه و سپس جراحات شدیدتر مانند منقله ایجاد شود، چنانچه به سبب سرایت جراحات اول باشد تنها دیه جراحات شدیدتر پرداخت می‌شود و در صورتی که به سبب ضربه دیگری باشد، خواه دو ضربه از یک نفر خواه از چند نفر باشد، هریک از دو جراحات، دیه جداگانه دارد». برای اینکه بتوان دیدگاه قانونگذار را در تمام ابعاد و با دقت تمام، مورد ارزیابی قرار داد، لازم است که در گام نخست به واکاوی همه‌جانبه ماده مورد نظر پرداخت. بر این اساس، ماده ۵۴۷ ق.م.ا را که محل بحث است، می‌توان به سه قسمت ذیل تقسیم کرد و در پی آن، اندیشه قانونگذار را مورد ارزیابی قرار داد.

قسمت اول ماده ۵۴۷ ق.م.ا بیان می‌دارد: «هرگاه جراحات عمیقی مانند منقله و یا جائفه یکباره واقع شود، تنها دیه همان جراحات عمیق پرداخت می‌شود». قانونگذار در این بخش از ماده، حکم به تداخل دیات کرده است. این بخش از ماده مذکور که موضوع پژوهش حاضر است، مورد تأیید مبانی فقهی نیست.

قسمت دوم ماده ۵۴۷ ق.م.ا چنین آورده است: (اگر «جائفه» به تدریج واقع شود یعنی ابتدا جراحات خفیف‌تر مانند موضحه و سپس جراحات شدیدتر مانند منقله یا «جائفه» ایجاد شود، چنانچه به سبب سرایت جراحات اول باشد تنها دیه جراحات

آن ایجاد شده باشد، نقدی بر قانونگذار نیست؛ زیرا در این فرض، تنها یک جراحه جائفه ایجاد شده است و روشن است که جانی، فقط محکوم به دیه جائفه می‌شود. اما اگر فرض دوم درست باشد و مقصود قانونگذار از عبارت «یکباره»، آن باشد که جراحه جائفه مستقلاً ایجاد شده است و به سبب سرایت جنایت قبل از خود و در طول جنایت قبل از خود ایجاد نشده است خواه در عرض آن جنایات دیگری حادث شده باشد یا خیر، آنگاه موضوع متفاوت است و قانونگذار مورد نقد قرار می‌گیرد زیرا در این فرض، باید از قانونگذار پرسید که تکلیف آن جنایت دیگر چه می‌شود؟ که البته قانونگذار با وضع ماده ۵۴۷ ق.م.ا به تداخل دیات حکم می‌کند.

نگارنده بر این باور است که مقصود قانونگذار از عبارت «یکباره» در نص ماده ۵۴۷ ق.م.ا همان فرض دوم یعنی مستقل ایجاد شدن جائفه است نه اینکه جنایات دیگری به همراه آن نباشد زیرا قانونگذار در ادامه ماده برای مقابله با فرض صدر ماده مورد بحث اضافه می‌کند که (اگر «جائفه» به تدریج واقع شود یعنی ابتدا جراحه خفیفتر مانند موضعه و سپس جراحه شدیدتر مانند منقله یا «جائفه» ایجاد شود، چنانچه به سبب سرایت جراحه اول باشد تنها دیه جراحه شدیدتر پرداخت می‌شود). عبارت مذکور، سخن از فرض سرایت می‌کند، یعنی قانونگذار در صدر ماده مورد بحث خواسته با عبارت «یکباره» فرض غیر سرایت را طرح نماید؛ خواه در عرض جائفه، جنایت دیگری حادث شده باشد یا خیر. بر این اساس، صدر ماده ۵۴۷ ق.م.ا به حیث فقهی و قانونی آنچنان که تحریر خواهد شد با نقد اساسی مواجه است.

#### ۱-۱-۶. اصل تعدد دیات در فقه امامیه: جنایات متعدد اعم از

ضرب و جرح در جسم مجنی‌علیه، خارج از دو فرض ضربه واحد و ضربات متعدد نمی‌تواند باشد. بر این اساس، جنایات متعدد، گاه، ناشی از ضربه واحد است؛ مانند آنکه فردی با چاقو به صورت فرد دیگری بزند و با یک ضربه، اقدام به زخمی کردن بینی، زخمی کردن گوش و آسیب زدن به چشم

دیه همان جراحه عمیق پرداخت می‌شود». با توجه به این نکته که تمام مباحث مقاله حاضر، ناظر به زنده ماندن مجنی‌علیه در همه فروض است، روند ارزیابی به ترتیب ذیل آغاز می‌شود.

#### ۶. نقد دیدگاه تداخل دیه جائفه به همراه جنایات

نقد ماده ۵۴۷ ق.م.ا مبنی بر تداخل دیه جائفه به همراه جنایات دیگر را می‌توان از دو مرجع فقه و قانون به شرح ذیل پیگیری نمود.

#### ۱-۶. نقد دیدگاه تداخل دیه جائفه و سایر جنایات در فقه

##### امامیه

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد هرگاه جراحه جائفه با ضربه واحد ایجاد شود، دیدگاه قانونگذار آن است که «... تنها دیه همان جراحه عمیق (جائفه) پرداخت می‌شود». نگارنده بر این باور است که حکم ماده مذکور، برخلاف احکام فقه دیات است. برای اثبات ادعای مذکور در فقه امامیه، لازم به طرح دو بحث است؛ اول ارزیابی عمومی موضوع تعدد و تداخل دیات در فقه جزایی؛ دوم ارزیابی خصوصی دیه جراحه جائفه به همراه جنایات دیگر. بر این اساس، هر دو بحث به ترتیب مذکور ارائه می‌شود.

برای ارزیابی دقیق دیدگاه قانونگذار، لازم است مقصود وی از عبارت «هرگاه ... جراحه جائفه یکباره واقع شود» تبیین شود. آیا مقصود قانونگذار از عبارت «یکباره»، نفوذ آلت جارحه به جوف بدن است بدون آنکه جراحه و جنایت دیگری قبل از آن ایجاد شود؟ یا اینکه منظور وی از عبارت «یکباره»، آن است که جراحه جائفه مستقلاً ایجاد شده است و به سبب سرایت جنایت قبل از خود و در طول جنایت قبل از خود ایجاد نشده است؛ خواه در عرض آن جنایات دیگری حادث شده باشد یا خیر؟ پاسخ به سؤال مذکور از این جهت قابل اهمیت است که اگر فرض اول درست باشد و گفته شود که مقصود قانونگذار از عبارت «یکباره» همان نفوذ آلت جارحه به جوف بدن است بدون آنکه جراحه و جنایت دیگری قبل از

مجنی علیه نماید. جنایات متعدد، گاه ناشی از ضربات متعدد است؛ مانند آنکه فردی در چند نوبت با ضربه چاقو، جنایات متعددی را در نقاط مختلف جسم مجنی علیه ایجاد نماید. لازم به ذکر است که فروض مورد بحث، خارج از بحث سرایت جنایت است؛ به این معنی که هریک از جنایات ایجادشده در اثر ضربه مستقیم آلت جارحه بوده است. با تتبع در فقه دیات مشخص می‌شود که فقهای امامیه به علت اصل عدم تداخل دیات که ناشی از اصل عدم تداخل اسباب و مسببات شرعی است (۱۰) بر این باور هستند که در هر دو فرض مذکور و مادامی که مجنی علیه زنده است، به ازای هر جنایت ایجادشده یک دیه لازم می‌شود؛ خواه جنایات متعدد، ناشی از ضربه واحد بوده و یا ناشی از ضربات متعدد باشند (۱۱-۱۳). روایت ذیل را می‌توان به عنوان مستند دیدگاه مذکور مورد توجه قرار داد: امام علی (ع) دربارهٔ مردی که با عصا مردی را زده است و شنوایی، بینایی، زبان و عقل او را از بین برده و آمیزش نمی‌تواند بکند ولی او زنده است حکم به شش دیه کامل کردند (۸).

روایت مزبور حاکی از آن است که در اثر ضربه واحد یا ضربات متعدد، جنایات متفاوتی اعم از زوال شنوایی، زوال بینایی، زوال جماع و ... اتفاق افتاده است که هیچ‌کدام از جنایات مذکور در اثر جنایت دیگر رخ نداده است، بلکه هریک مستقلاً در اثر ضربه واحد عصا ایجاد شده است. امام علی (ع) در این حال با توجه به حیات مجنی علیه، حکم به شش دیه نموده‌اند. بر اساس اصل عدم تداخل دیات و روایت مذکور و دیدگاه فقها، قاعده کلی آن است که تا وقتی مجنی علیه در قید حیات است دیه همه صدمات که در عرض هم بوده و سرایت نکرده‌اند به طور جداگانه محاسبه می‌شود (۱۴).

بر اساس مطالب فوق، معلوم می‌شود که در فقه امامیه، هرگاه جنایات متعددی ایجاد شوند؛ خواه با ضربه واحد یا با ضربات متعدد، مادامی که مجنی علیه زنده باشد، اصل بر تعدد دیات است؛ اما اگر دلیلی بر تحقق خلاف اصل تعدد دیات، ایجاد شود تبعاً از اصل مذکور، عدول خواهد شد. مانند آنکه

مجنی علیه، در اثر جنایات متعدد با ضربه واحد، فوت کند. در فرض مذکور، فقهای امامیه به پشتوانه ادله روایی، برخلاف اصل تعدد دیات، حکم به تداخل دیات کرده‌اند (۱۴-۱۵). در بحث حاضر یعنی ماده ۵۴۷ ق.م.ا، قضیه از این قرار است که جراحات عمیق جائفه یکباره واقع شده است، قانونگذار، فارق از ذکر اینکه این جراحات، با ضربه واحد یا ضربات متعدد ایجاد شده است و فارق از اینکه چه جنایاتی قبل از جائفه ایجاد شده است، حکم به تداخل دیه کرده و فقط دیه جائفه را لازم می‌داند. تعارض دیدگاه قانونگذار با اصل تعدد دیات، با مثال پیش‌رو، روشن خواهد شد؛ اگر فردی، میله آهنی را از ناحیه سر مجنی علیه داخل نماید و تا فضای توخالی سینه مجنی علیه فرو کند، طبق ماده ۵۴۷ ق.م.ا، جانی فقط به دیه جائفه محکوم خواهد شد؛ زیرا جراحات جائفه را به یک باره واقع کرده است. اما بر اساس مبانی فقهی که ذکر آن گذشت، جنایات واقع شده، مشمول دیات متعدد است؛ زیرا هرچند جنایات واقع شده با ضربه واحد بوده و هرچند آن میله آهنی به یکباره در قفسه سینه مجنی علیه نشسته است، اما هیچ‌یک از این قیود، از موارد تخصیص اصل تعدد دیات نیست. بر این اساس، جانی محکوم به دیات جنایت وارد آمده به سر، به گردن و در نهایت محکوم به دیه جنایت جائفه است.

**۱-۲-۶. ارزیابی دیه جائفه در تداخل با دیه جنایات قبل از جائفه در فقه امامیه:** علاوه بر اینکه، می‌توان دیدگاه قانونگذار را در ماده ۵۴۷ ق.م.ا با استدلال فقهی اصل تعدد دیات، نقد کرد. می‌توان برای اثبات تعدد دیات جائفه به همراه جنایات دیگر به مصادیق خاص جائفه در فقه دیات اشاره کرد.

با تتبع در کلام فقهای امامیه، می‌توان دو مصداق بسیار صریح درباره ایجاد جراحات جائفه به همراه جنایات دیگر و تعدد دیات آنها را در فقه امامیه مشاهده نمود. اول سخنی که فقهای امامیه در قطع پستان زن ارائه می‌کنند؛ در این مصداق، جنایت به این صورت است که جانی به هنگام بریدن پستان زن، چاقو را در همان حین، از ناحیه پستان، وارد قفسه سینه زن می‌کند و جراحات جائفه ایجاد می‌شود. همه فقهای

امامیه بالاتفاق بر این باور هستند که دو جنایت مختلف ایجاد شده است و جانی محکوم به پرداخت دو دیه است؛ یک دیه برای پستان و یک دیه برای جراحت جائفه (۱۸-۱۶). پرواضح است که قطع پستان و جراحت جائفه، هر دو جنایت با ضربه واحد ایجاد شده است، اما فقهای امامیه حکم به تعدد دیات کرده‌اند. دومین مصداقی که درباره جراحت جائفه به همراه جنایات دیگر در فقه امامیه قابل مشاهده است جایی است که جانی با چاقو اقدام به شکافتن شانه مجنی‌علیه می‌کند و چاقو را بر نمی‌دارد تا به زیر بغل مجنی‌علیه رسیده و از آنجا چاقو را به جوف بدن مجنی‌علیه وارد می‌کند؛ این جوف می‌تواند قفسه سینه یا شکم مجنی‌علیه باشد. همه فقهای امامیه بر این باور هستند که بنابر اصل تعدد دیات، جانی محکوم به پرداخت چند دیه است یک دیه جائفه و همچنین دیات جنایاتی که قبل از جائفه در بدن مجنی‌علیه ایجاد شده است (۱۹، ۱۴، ۷). لازم به ذکر است که در برخی از کتب فقهی، به احتمال تداخل دیات در جنایات مذکور اشاره شده است که البته نه قائل این دیدگاه مشخص است و نه هیچ‌یک از فقهایی که این قول را ذکر کرده‌اند، آن را تأیید می‌کنند (۱۴). بعضی از فقهای امامیه، مسئله مورد بحث را با مصداق دیگری طرح می‌کنند که البته در نتیجه حاصله، یعنی حکم به تعدد دیات برای تعدد جنایات، متفق القول هستند (۲۰-۱۹). در پایان این بخش می‌توان به استفتائی از امام خمینی (ره) توجه کرد. صورت استفتاء از این قرار است که «هرگاه جراحتی که دیه معینی دارد، مانند جائفه، باعث فلج شدن نیز گردد، آیا هم دیه جائفه و هم دیه فلج شدن را باید پرداخت که در نتیجه دیه فلج شدن یکی از دو پا به واسطه جائفه یک دیه کامله باشد و بلکه در بعضی از مواقع زیادتر، یا راه دیگر و حکم دیگری دارد؟» قبل از ذکر پاسخ امام خمینی (ره)، در شرح سؤال فوق باید نگاشت که جائفه مفروض در سؤال در ناحیه شکم حادث شده است، آلت جارحه از ناحیه خالی شکم نفوذ کرده و از پشت شکم که به ناحیه کمر و نخاع می‌رسد، خارج

شده است. بنابراین اینکه به همراه جراحت جائفه، قطعی نخاع و فلجی حادث شود، یک امر ممکن است. لازم به توجه است که واژه «باعث» در عبارت «جائفه، باعث فلج شدن نیز گردد» در صورت سؤال نباید موجد فرض «سرایت جنایت» باشد؛ به این معنی که جائفه سرایت کرده است و موجب ایجاد جنایاتی به نام قطع نخاع شده است. قطعاً این‌گونه نیست زیرا سرایت جنایت به معنای آن است که جنایت دوم باید در طول جنایت اول باشد اما قطع نخاع در سؤال حاضر، نتیجه مستقیم همان نفوذ آلت جارحه به جوف بدن است که از ناحیه کمر ایجاد شده است. بعد از این تشریح، پاسخ امام خمینی (ره) از این قرار است: «در فرض سؤال، هم دیه جائفه داده شود و هم دیه فلج شدن، گرچه به مقدار دیه کامله یا دیه زیادتر شود». در پاسخ امام خمینی (ره) حکم به تعدد دیات شده است؛ این در حالی است که جراحت جائفه در فرض سؤال یکباره واقع شده است، لکن در آن واحد به دو جنایت منتهی شده است.

بر اساس مطالب فوق، معلوم می‌شود که فقهای امامیه نه تنها مسأله مورد پژوهش را با اصل فقهی تعدد دیات پاسخ داده‌اند، بلکه مسأله را با مصادیق خاص فقهی جائفه هم مورد بحث قرار داده‌اند. اگر جانی با قمه به گونه مجنی‌علیه حمله‌ور شود و با دریدن گونه، زبان را هم قطع کند و در همان حال، با نفوذ قمه، قمه را به فضای توخالی سینه مجنی‌علیه فرو نماید، آیا جانی، فقط محکوم به دیه جائفه می‌شود؟ بر اساس مصادیق خاص فقهی که ذکر شد معلوم می‌شود که جانی، جنایات متعددی اعم از نافذه گونه، قطع زبان و جائفه قفسه سینه را بر مجنی‌علیه وارد ساخته است. طبق کلام فقهای امامیه، جانی محکوم به دیه هر سه جنایت خواهد بود، هرچند همه این جنایات در یک لحظه باشد و جراحت جائفه یکباره واقع شده باشد.

## ۲-۶. ارزیابی دیه جائفه در تداخل با دیه جنایات قبل از جائفه

### در قانون مجازات اسلامی

مانند شکستگی‌های متعدد یا جراحات متعدد از یک نوع باشد، (ب) همه آسیب‌ها در یک عضو باشد، (پ) آسیب‌ها متصل به هم یا به گونه‌ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود، (ت) مجموع آسیب‌ها با یک رفتار مرتکب به وجود آید». حال سؤال این است که آیا فرض پژوهش حاضر، می‌تواند مصداق ماده ۵۴۳ ق.م.ا باشد؟ پاسخ آن است که جراحی جائفه به هیچ‌وجه تطابقی با موضوع ماده ۵۴۳ ق.م.ا ندارد زیرا در فرض پژوهش حاضر، نه همه جراحات از یک نوع است و یا اگر از یک نوع باشد، قطعاً همه آنها در یک عضو نیست، یا اینکه آن جراحات، به گونه‌ای نزدیک به هم نیستند که عرفاً یک جنایت محسوب شوند. با توجه به ماده ۵۴۳ ق.م.ا، شرایط چهارگانه باید مجموعاً حاصل شود تا حکم به تداخل دیه شود، در حالی که آن شرایط چهارگانه به هیچ‌وجه مجموعاً در موضوع جراحات پژوهش حاضر، قابل تصور نیست.

بر اساس مطالب فوق باید گفت، ماده ۵۴۷ ق.م.ا با ماده ۵۳۸ ق.م.ا و با ماده ۵۴۳ ق.م.ا در تعارضی آشکار است؛ زیرا بر اساس مواد ۵۳۸ ق.م.ا و ۵۴۳ ق.م.ا، حکم به تداخل دیات در فرض تعدد جنایات، یک حکم خلاف اصل است که نیازمند تحقق شرایط مجموعی در ماده ۵۴۳ ق.م.ا است. شرایط چهارگانه لازم در ماده ۵۴۳ ق.م.ا در موضوع ماده ۵۴۷ ق.م.ا محقق نیست، بر این اساس، نمی‌توان از اصل ماده ۵۳۸ ق.م.ا عدول کرد و باید به حکم تعدد دیات پایبند بود.

**۲-۲-۶. ارزیابی ماده ۷۱۲ ق.م.ا در نقد ماده ۵۴۷ ق.م.ا: نقدی** که با دو ماده ۵۳۸ ق.م.ا و ۵۴۳ ق.م.ا به ماده ۵۴۷ ق.م.ا وارد شد، از باب عمومات بحث تعدد تداخل دیات در کتاب قانون مجازات اسلامی بود. لکن با مذاقه در ماده ۷۱۲ ق.م.ا می‌توان ماده ۵۴۷ ق.م.ا را به طور خاص با موضوع جراحی جائفه مورد نقد قرار داد. قانونگذار جزایی طی ماده ۷۱۲ ق.م.ا مقرر کرده است: «هرگاه نیزه یا گلوله و مانند آن علاوه بر ایجاد جراحی موضعه یا هاشمه و یا منقله به داخل بدن مانند حلق و گلو یا سینه فرو رود، دو جراحی محسوب و علاوه بر دیه موضعه یا هاشمه و منقله، دیه جراحی جائفه نیز ثابت می‌شود».

همان‌طور که اشاره شد، قانونگذار بر اساس ماده ۵۴۷ قانون مجازات اسلامی درباره ایجاد یکباره جراحی جائفه به همراه جنایات دیگر، حکم به تداخل دیات می‌کند و مقرر می‌دارد: «هرگاه جراحی عمیقی مانند ... جائفه یکباره واقع شود، تنها دیه همان جراحی عمیق پرداخت می‌شود ...» لکن باید گفت که ماده مذکور با دیگر مواد قانونی که خود قانونگذار آنها را وضع کرده است در تعارض است. بر این اساس، ماده ۵۴۷ ق.م.ا، نه تنها دارای اشکال فقهی است، بلکه با دیگر مواد قانونی هم همخوانی ندارد. برای تشریح بحث، سه ماده ۵۳۸ ق.م.ا، ۵۴۳ ق.م.ا و ۷۱۲ ق.م.ا مورد ارزیابی واقع می‌شود.

**۱-۲-۶. ارزیابی مواد ۵۳۸ ق.م.ا و ۵۴۳ ق.م.ا در نقد ماده ۵۴۷ ق.م.ا:** قانونگذار مجازات اسلامی با اندیشه فقهی بر این باور است که اصل در تعدد جنایات، تعدد دیات است و جانی باید به ازای هر جنایت، یک دیه یا ارش، پرداخت نماید. بر این اساس، در ماده ۵۳۸ ق.م.ا مقرر کرده است: «در تعدد جنایات، اصل بر تعدد دیات و عدم تداخل آنها است مگر مواردی که در این قانون خلاف آن مقرر شده است». یکی از موارد خلاف اصل در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۵۳۹ ق.م.ا است که مرتبط با بحث سرایت جنایت است؛ یعنی اگر جنایت دوم در طول جنایت اول حاصل شود، دیه آن دو جنایت در هم تداخل کرده و دیه غلیظ‌تر ثابت می‌شود. لکن موضوع فرض الف ماده ۵۴۷ از بحث سرایت جنایت خارج است زیرا فرض، آن است که با ضربه واحد، چند جنایت در عرض هم ایجاد شده است، که یکی از آنها جائفه است. بنابراین جراحی جائفه در طول جنایات دیگر نیست که مصداق ماده ۵۳۹ ق.م.ا شود. بر این اساس، بحث پژوهش حاضر به استناد ماده ۵۳۹ ق.م.ا نمی‌تواند از موارد خلاف اصل تعدد دیات باشد. از دیگر موارد خلاف اصل تعدد دیات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، موضوع ماده ۵۴۳ ق.م.ا است. قانونگذار جزایی در این ماده مقرر کرده است: «در صورت وجود مجموع شرایط چهارگانه ذیل، دیه آسیب‌های متعدد تداخل می‌کند و تنها دیه یک آسیب ثابت می‌شود: الف) همه آسیب‌های ایجادشده

قانونگذار به صراحت در ماده مذکور اعلام کرده است که هرگاه آلت جارحه به جوف بدن مجنی‌علیه نشست، در حالی که قبل از رسیدن به جوف، موجب جنایاتی مانند موضعه شده است، جانی علاوه بر دیه جائفه به دیه آن جنایات هم محکوم خواهد شد. پُر واضح است که ماده مذکور در تعارض آشکار با ماده ۵۴۷ ق.م.ا است؛ زیرا قانونگذار در ماده ۵۴۷ ق.م.ا، جانی را با وضع عبارت «هرگاه جراحت عمیقی مانند منقله و یا جائفه یکباره واقع شود، تنها دیه همان جراحت عمیق پرداخت می‌شود» در هر صورت؛ خواه یک جراحت عمیق رخ داده باشد یا همراه آن جراحت عمیق، جراحات یا صدمات دیگری حادث شده باشد، جانی را محکوم به پرداخت تنها دیه همان جراحت عمیق می‌کند و سخنی از دیه جنایات قبل جائفه آن ندارد. این در حالی است که نص ماده ۷۱۲ ق.م.ا به صراحت دیه جراحات و جنایات قبل از ایجاد جائفه را هم مورد نظر قرار داده و جانی را محکوم به آن می‌نماید «هرگاه نیزه ... علاوه بر ایجاد جراحت موضعه یا هاشمه و یا منقله به داخل بدن ... فرو رود، دو جراحت محسوب و علاوه بر دیه موضعه یا هاشمه و منقله، دیه جراحت جائفه نیز ثابت می‌شود». ماده دیگری در قانون مجازات اسلامی که در حقیقت، نافی ماده ۵۴۷ ق.م.ا است، ماده ۵۷۴ همین قانون است؛ قانونگذار در ماده ۵۷۴ ق.م.ا مقرر کرده است: «هرگاه بر اثر یک یا چند ضربه، علاوه بر دررفتگی مفصل، استخوان نیز بشکند یا ترک بخورد، دو جنایت محسوب می‌شود و هریک دیه یا ارزش جداگانه دارد. اگر بر اثر ضربه‌ای، هم استخوان بشکند و هم جراحی مانند موضعه یا نافذه و یا جائفه در بدن ایجاد شود نیز این حکم جاری است». نص ماده بیانگر آن است که هرگاه جنایت جائفه واقع شود و به همراه آن جنایات دیگری مانند شکستگی حاصل شود، جانی محکوم به پرداخت دیه همه جنایات واقع شده است و هیچ تداخلی در کار نیست، خواه ناشی از ضربه واحد باشد یا ضربات متعدد؛ زیرا به هیچ نحو از مصادیق

شرایط تداخل دیات در ماده ۵۳۹ ق.م.ا یا ماده ۵۴۳ ق.م.ا نخواهد بود.

بر اساس مطالب فوق باید گفت، ماده ۵۴۷ ق.م.ا مبنی بر پرداخت تداخل دیه جائفه با جنایات دیگر، نه تنها با عموم بحث تعدد و تداخل دیات در کتاب قانون در تعارض است، بلکه با ماده ۷۱۲ ق.م.ا که به طور خاص درباره جراحت جائفه همراه با جنایات دیگر، وضع شده است و با ماده ۵۷۴ ق.م.ا در تعارضی حل ناشدنی است، زیرا حکم قانونگذار در ماده دو ماده مذکور، صراحت در تعدد دیات است.

#### ۷. نتیجه‌گیری

ماده ۵۴۷ ق.م.ا را می‌توان در سه بخش مورد ارزیابی قرار داد. مدعای بخش (الف) این بود که «هرگاه جراحت عمیقی مانند ... جائفه یکباره واقع شود، تنها دیه همان جراحت عمیق پرداخت می‌شود». بخش مذکور، بیانگر حکم تداخل دیات است. این بخش از ماده مورد تأیید مبانی فقهی نیست؛ زیرا شرایط فقهی تداخل دیات در فرض مورد نظر، محقق نیست. حکم تداخل دیات در دو فرض، قابل اجرا است: اول وجود سرایت جنایت، به این معنی که جائفه در طول جنایت قبل از خود پدید بیاید. بخش «الف» ماده ۵۴۷ ق.م.ا پیرامون سرایت نیست، بلکه با یک ضربه و به صورت یکباره، چند جنایت حاصل شده است که یکی از آنها جائفه بوده است؛ دوم تحقق مجموع شرایط ماده ۵۴۳ ق.م.ا است که فرض مورد بحث در پژوهش حاضر مصداق آن شرایط نیست. بر این اساس، معلوم نیست که ماده ۵۴۷ ق.م.ا مبتنی بر چه اصل یا قاعده‌ای حکم به تداخل دیات کرده است. لکن به نظر می‌آید که هرگاه با ضربه واحد، چند جنایت ایجاد شود که رابطه سرایت بین آنها نباشد، مادامی که مجنی‌علیه زنده است، حکم به تعدد دیات می‌شود. بخش دوم ماده ۵۴۷ ق.م.ا بیانگر رابطه سرایت و حکم به تداخل دیات است؛ این بخش از ماده مورد تأیید مبانی فقهی است؛ زیرا جائفه در طول جراحت قبل از خود بوده و ماهیت سرایت

جنایت محقق است. بخش سوم ماده ۵۴۷ ق.م.ا درباره ضربات متعدد و حکم به تعدد دیات است. این بخش از ماده هم مورد تأیید مبانی فقهی است؛ زیرا در فرض تعدد ضربات و تعدد جنایات، حکم اولی، تعدد دیات است.

#### ۸. پیشنهاد

بر اساس نتیجه‌ای که حاصل شد پیشنهاد می‌شود صدر ماده ۵۴۷ ق.م.ا بدین ترتیب اصلاح شود: «هرگاه جراحی عمیقی مانند منقله و یا جائفه یکبارہ واقع شود، چنانچه جراحات و صدمات دیگری به همراه دو جراحی منقله و جائفه حادث شود و رابطه سرایت میان آنها با دو جراحی مذکور نباشد، به ازای هر جنایت، دیه همان جنایت پرداخت می‌شود مشروط بر آنکه قضیه واقعه از مصادیق ماده ۵۴۳ همین قانون نباشد».

## References

1. Ibn Fares, A. Mo'jam Maqaees al-Logha. Qom: Islamic Development Organization; 1983 (1404). 1: 451.495, 2: 14. [In Arabic]
2. Hossieni Rouhani, SMS. Minhaj Al- Salehin. n.p: n.pn; n.d. 3: 353. [In Arabic]
3. Godarzi, F. Forensic Medicine. Tehran: Anishtayn; 1994 (1373). 267. [In Persian]
4. Allame Helli, H.Gh. Montahi al- Mazhab fi Tahghigh al-Mazhab, Mashhad: Astan Quds Razavi; 1991 (1412). 2: 849. [In Arabic]
5. Mofid, M. Al-Moqna'e, Qom: Jame'e Modarresin Hoze 'Elmie Qom; 1989 (1410). 770. [In Arabic]
6. A Group of Researchers under the head of Shahroodi, SM. Encycloepadia of Jurisprudence According to the Religion of Ahl al-Bayt(a). Qom: Institute of Encyclopedia of Islamic Jurisprudence on the Religion of Ahl al-Bayt (a); 2005 (1426) 3:120. [In English]
7. Allame Helli, H. Mokhtalef al-Shia fi Ahkam al-Shari'a. Qom: Islamic Publications Office affiliated to the Society of Teachers of Qom Seminary. 1992 (1413). 9:411 [In Arabic]
8. Koleyni, JM. Kafi (T-Eslamiea). Tehran: Islamic Library; 1986 (1407). 7: 325. [In Arabic]
9. Ardabil, A. A collection of benefits and proofs in the explanation of the guidance of the minds. Qom: Congregation of teachers in the field of science. 1982 (1403). 13: 446. [In Arabic]
10. Khorasani (Akhond Khorasani), MK. Kefaya al-Osul. Qom: Islamic Publication Institute. 2014 (1436). 2: 113. [In Arabic]
11. Allame Helli, H. Tahrir al-Ahkam al-shar'eia 'ala Mazhab al-Imamyia. Qom: Institute of Imam Sadeq (a); 1999 (1420). 5: 608. [In Arabic]
12. Sheikh Tusi, AJM. Al-Mabsut Fi fiqh al-Imamyia. Tehran: Library of Mortazavi for the Revival of the works of Jafari; 1999 (1387). 7: 124. [In Arabic]
13. Helli, M. Al-Tanqih al-Ra'e' lil-Mokhtasar al-Sharayi'. Qom: Mar'ashi Najafi Library; 1983 (1404). 4: 510. [In Arabic]
14. Najafi (Sahib Javaher), MH. Javahir al-Kalam fi Sharh Sharayi' al-Islam Lebanon: Dar Ihya al-Torath al-Arabi; 1983 (1404) 42: 162, 358, 360. 43: 292, 294, 341. [In Arabic]
15. Mohaqeq Helli, A. 1408. Sharayi' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram. Qom: Institution of Isma'ilian; 1987 (1408). 4: 186, 20. [In Arabic]
16. Shahid Thani, Z. Masalik al-Afham ilā Tanqih Sharayi' al-Islam. Qom: Institute of al-Ma'arif al-Islamia; 1992 (1413). 15: 431, 1413. [In Arabic]
17. Khuii, SA. Mosū'āt al-Imam Khuii (Ijtihad, Taqlid). Qom: Institute of Revival of Works of Imam Khuie; 1997 (1418). 42: 385. [In Arabic]
18. Musawi Khomeyni, R. Tahrir al-Wasila. Qom: Dar al-'elm; n.d. 620, 1392. [In Arabic]
19. Hosseini Ameli, MJ. Miftah al-Karama fi Sharh Qawa'id al-Allama (T-Al-Qadīm), Beirūt: 1998 (1419). 10: 488. [In Arabic]
20. Sabzivari, A. Mohdhab al-Ahkam, Qom: Institute of al-Minār; 1992 (1413). 5: 355. [In Arabic]



# MfJ

## Medical Fighh Journal

2021; 13(43): e3

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/en-mf>



### ORIGINAL RESEARCH

## Critical analysis of article 547 of IPC in the interference of the Jaefe blood money with other crimes

Taha Zargarian<sup>1\*</sup> 

1. Assistant Professor of Law, Ayatollah Boroujerdi University.

### ARTICLE INFORMATION

#### Article history:

**Received:** 15 November 2020

**Accepted:** 21 December 2020

**Published online:** 1 October 2021

#### Keywords:

Blood money

Jaefe

Interference of blood money

Crime

Article 547 of IPC.

### ABSTRACT

**Background and Purpose:** Jaefe is a title of an injury for which one-third of a full blood money has been assigned. In this crime the criminal drags a dagger on the back of the victim, wounds his/her ear, injures his/her eyes, tears his/her lips and at last leads the dagger into his/her heart and penetrates it into the depth of his/her chest. Assuming that all mentioned crimes occur at once and with a single strike in a few seconds, the legislator in article 547 of the Islamic Penal Code has prescribed the blood money as follows: "whenever a deep injury like Jaefe is occurred at once, only the blood money for same deep injury will be paid". The present study has been conducted to investigate the degree of compliance of the mentioned article with the relevant jurisprudential principles.

**Materials and methods:** This study is theoretical and based on a descriptive-analytical method by collecting information in a library manner that tries to correct article 547 of IPC after examining the jurisprudential and legal sources related to the blood money of crimes and their interference and non-interference.

**Findings:** Although in the issue of interference of blood money of Jaefe with non-Jaefe, in case of committing multiple crimes with a single strike, the legislator has considered the interference of blood money and condemned the victim to pay deep blood money. But according to jurisprudential principles and also by citing materials of the penal code, contrary to the legislator's view, the theory of multiple blood money is preferred as long as the victim is alive.

\* Corresponding Author: Taha Zargarian

Address: Ayatollah Boroujerdi University . Boroujerdi. Iran.

Email: [tahazargarian93@abru.ac.ir](mailto:tahazargarian93@abru.ac.ir)

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Cite this article as:

Zargarian T. Critical analysis of article 547 of IPC in the interference of the Jaefe blood money with other crimes. *Med Fighh J* 2021; 13(43): e3.